

عوامل خوشبختی و رستگاری از دیدگاه قرآن کریم

صغری عبدلی

اشاره:

قرآن کریم عواملی چند را به عنوان شاخصه ها و نشانه های رستگاری در دنیا و آخرت برشمرده و از مؤمنان دعوت کرده که با شناخت این عوامل زمینه های رستگار شدن بدست خویش فراهم کنند.

بدون تردید هر انسان پاک طیبی آرزو و ایده آلی جز رستگاری و خوشبختی و سعادت‌مندی ندارد و دوست دارد پایانی خوش را برای خود رقم زند. آنچه در این مقاله آمده اشاره هائی گذراست به چند عامل از عوامل خوشبختی و رستگاری که با هم آن را می خوانیم.

اسلام به عنوان کاملترین و جامع ترین دین الهی خوشبختی و رستگاری انسانها را در قرآن بیان کرده و در آیات متعددی به این موضوع پرداخته است. در قرآن حدود ۴۰ مرتبه (۱) از فلاح (رستگاری) سخن گفته شده و در ضمن آیات مربوطه از صفات و علائم رستگاران و سعادت‌مندان واقعی و اخروی سخن به میان آمده است که البته رستگاری از هر دو دنیوی و اخروی مدنظر بوده و از آنجا که حیات اخروی جاودانی و ابدی است از اهمیت بیشتری برخوردار است.

فلاح (رستگاری) از ماده «فَلَح و فَلَاح» در اصل به معنی شکافتن و بریدن است و به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوشبختی اطلاق شده است. در حقیقت افراد پیروز و رستگار و خوشبخت، موانع را از سر راه خود برمی دارند و راه را برای رسیدن به مقاصد هموار می سازند و پیش می روند. فلاح و رستگاری به معنی وسیع آن، هم پیروزی های مادی را شامل می شود و هم معنوی را. رستگاری دنیوی در آن است که انسان آزاد و سربلند، عزیز و بی نیاز زندگی کند که این امور جز در سایه ایمان امکان پذیر نیست و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار در میان نعمت های جاویدان، در کنار دوستان شایسته و پاک و در کمال عزت و سربلندی به سر می

برد. (۲)

عوامل رستگاری در قرآن

اما عواملی که انسان را به رستگاری می رساند و سعادت‌مند ابدی می کند عبارتند از:

۲۷۹۴

خداوند در سوره مؤمنون می فرماید: «قد افلح المؤمنون» (۳) یعنی مومنان رستگار شدند.

مؤمنان یعنی تصدیق کنندگان خدا و یگانگی او و پیغمبران او و آنچه نبی خاتم (صلی الله علیه و آله) آورده است. رستگاری حقیقی بسته به ایمان حقیقی و مقید به تمام شرایط است که در آیات بعد به صورت واضح و روشن ذکر می فرماید. (۴) انتخاب فعل ماضی «افلح» در مورد رستگاری مؤمنان، برای تأکید هرچه بیشتر است؛ یعنی رستگاری آنها آنقدر مسلم است که گویی قبلاً تحقق یافته و ذکر کلمه «قد» قبل از آن نیز تأکید دیگری برای موضوع است.

تعبیراتی همچون خاشعون، معرضون، راعون و یحافظون همه دلیل بر آن است که برنامه های مؤمنان راستین در این اوصاف برجسته، موقتی و محدود نیست؛ بلکه مستمر و دائمی است. (۵)

ایمان به معنای اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است مثلاً ایمان به خدا در قرآن به معنای تصدیق به یگانگی او و پیغمبرانش و تصدیق به روز جزا و بازگشت به سوی او و تصدیق به هر حکمی است که فرستادگان او آورده اند. (۶) البته لازمه ایمان عمل صالح است و ایمان تصدیق توأم با تسلیم و اطمینان خاطر است. (۷) ایمان به خدا و پیامبر (ص) (۸) و ایمان به کتابهای پیشین (۹) و روز رستاخیز و آخرت (۱۰) مایه سعادت اخروی می باشند. در قرآن هر جا که صفات مؤمنان را می شمارد به دنبال ایمان، عمل صالح را ذکر می فرماید یعنی این دو و با هم موجب خوشبختی انسان است. (۱۱) «من عمل صالحاً من ذکر أو انثی و هو مؤمن فلتحینه حیوه طیبه»؛ (۱۲) هر کس کار شایسته ای کند خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می کنیم» و نیز «الذین ءامنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن ماب؛ (۱۳) آن ها که ایمان آورند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه ترین (زندگی) نصیبشان است و بهترین سرانجام ها.»

خداوند در سوره نور می فرماید: «أما کان قول المؤمنین ادا دعوا الی الله و رسوله لیحکم بینهم آن یقولوا سمعنا و اطعنا و أولئک هم المفلحون؛ (۱۴) سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند تنها این است که می گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» و اینها همه رستگاران واقعی هستند.» همچنین در آیه بعد اطاعت کنندگان از خدا و رسول را سعادت‌مندان واقعی می شمرد. از اینجا فهمیده می شود که مقتضای اعتقاد قلبی بر پیروی آنچه خدا و رسولش حکم می کنند همین است که دعوت خدا و رسول را لیبک گویند نه این

که آن را رد کنند. (۱۵)

۲- نماز:

از عوامل بسیار مهم رسیدن به سعادت اخروی نماز است. خدا می فرماید: «قد أفلح المؤمنون ﴿۱۶﴾ الذين هم في صلاتهم خاشعون» (۱۶) مؤمنان رستگار شدند، کسانی که در نمازشان خشوع دارند. «خشوع به معنای تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می شود و آثارش در بدن ظاهر می گردد در واقع کسانی که به هنگام نماز آن چنان حالت توجه به پروردگار می یابند که از غیر او جدا می گردند و چنان غرق حالت تفکر و حضور و راز و نیاز با پروردگارشان می شوند که بر تمام ذرات وجودشان اثر می گذارد. این نماز موجب خودسازی و تربیت انسان است و وسیله ای برای تهذیب روح و جان بشمار می رود. (۱۷)

همچنین در سوره حج آمده «يا ايهاالذيين ءامنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربكم و افعلوا الخير لعلكم تفلحون» (۱۸) ای کسانی که ایمان آورده اید رکوع کنید و سجود به جا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید. در این آیه رکوع و سجود توصیه شده که دو رکن مهم نمازند و در پایان وعده رستگاری داده شده است.

همچنین در آیات دیگر محافظت و مراقبت در نماز توصیه شده است و موجب رستگاری انسان شمرده می شود. در سوره مؤمنون (۱۹) هفت صفت برای مؤمنان سعادت مند ذکر شده که ابتدا و انتهای این صفات در مورد نماز است. این امر بیان گر اهمیت نماز است و علاوه بر خشوع، مراقبت و حضور قلب در نماز، نشانه رستگاری معرفی شده است.

در برخی آیات قرآن، ذکر خداوند و مداومت بر آن زمینه دست یابی به فلاح و رستگاری معرفی شده است. «يا ايهاالذيين ءامنوا اذا لقيتم فئه فائتوا واذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون» (۲۰) ای کسانی که ایمان آورده اید هنگام که در میدان نبرد) با گروهی روبرو می شوید ثابت قدم باشید و خدا را فراوان یاد کنید باشد که رستگار شوید. در سوره جمعه آمده «... واذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون» (۲۱) آیاتی نظیر آیه های مذکور دلالت بر اهمیت ذکر خدا و دعا و مناجات با او برای سعادت مند شدن در زندگی دارد.

۳- عمل خیر:

انجام عمل خیر و نیکی های فراوان از عوامل دیگر سعادت ابدی انسان است: «والوزن يومئذ الحق فمن ثقلت

موازینه فأولئك هم المفلحون: (۲۲) وزن کردن اعمال و سنجش ارزش آنها در آن روز، حق است. کسانی که میزانهای (عمل) آنها سنگین است، همان رستگارانند. در سوره حج می فرماید: «... وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون: (۲۳) کار نیک انجام دهید شاید رستگار شوید. از این آیه بدست می آید هرچه اعمال خیر و نیک انجام دهیم در مسیر رسیدن به سعادت قدم برمی داریم.

۴- تزکیه نفس:

عامل دیگری که انسان را به زندگی سعادتمند رهنمون می شود تزکیه نفس است. «قد افلح من زکها: (۲۴) به یقین رستگار شد کسی که به تزکیه نفس پرداخت.» خداوند در سوره شمس پس از اینکه هفت بار به آفریده های بزرگ و مهم (مثل خورشید، ماه و...) قسم یاد می کند می فرماید (قد افلح من زکها) به یقین سعادتمند شد کسی که نفس خود را از آلودگیها (گناهان) زدود و پاک کرد و این نشانگر اهمیت پیراستن جسم و جان از ناپاکی ها است که در نتیجه آن رستگاری و خوشبختی نصیب آدمی می شود.

آنگاه که انسان نفس خود را پاکیزه کرد و آن را از صفات حیوانی مبرا نمود آنچه خیر و مایه رستگاری اوست از جانب خدا به وی الهام می گردد. (۲۵)

تا نفس مبرا از مناهی نشود / دل آینه نور الهی نشود

خداوند در سوره اعلی می فرماید: «قد أفلح من تزکی» (۲۶) یقیناً، کسی که پاکی جست، رستگار شد. «آری هرکس در مقام مجاهده با نفس برآمد سعادتمند گشت و قابلیت سکونت در جوار رحمت الهی را که همانا کمال خوشبختی است پیدا کرد.

۵- تقوا:

خداوند در آیات متعددی بعد از بیان صفت تقوا به رستگاری و سعادت‌مندی بشارت داده است. در سوره مائده آمده: «قل لا یستوی الخیث... فاتقوا الله یا اولی الالباب لعلکم تفلحون: (۲۷) بگو هیچ گاه ناپاک و پاک مساوی نیستند... از مخالفت خدا بپرهیزید ای خردمندان، شاید رستگار شوید.»

زمانی که انسان از هوا و هوس پیروی نکند و نفس خود را از آلودگی به معاصی حفظ کند در زندگی ابدی اش سعادت مند خواهد بود. همچنین از طرح تقوا به عنوان عامل مهم رستگاری در چندین آیه در قرآن به اهمیت این ویژگی در زندگی انسان پی می بریم.

۲۷۹۶

یکی از موارد با اهمیت سعادت و رستگاری انسان، داشتن تقواست که از مصادیق آن که در قرآن ذکر شده نگهداشتن نفس از حرص و بخل (۲۸)، رویگردانی از لغو (۲۹)، دوری از شراب و قمار و بت پرستی و شرک (۳۰) و رباخواری (۳۱) و نیز حفظ عفت و پاکدامنی (۳۲) است.

۶- زکات:

یکی دیگر از عوامل مهم پیروزی و ظفرمندی در دنیا و آخرت مسئله زکات است که شامل زکات شرعی، انفاق مال و صدقه و زکات فطره می باشد. (۳۳) دادن زکات چه زکات مال و چه زکات فطره موجب خوشبختی اداءکننده آن است. خداوند در سوره اعلی فرموده: «قد افلح من تزکی * و ذکر اسم ربه فصلی؛ (۳۴) به یقین کسی که پاکی جست رستگار شد و آن که نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند.»

در سوره مؤمنون هم زکات دادن از عوامل رستگاری به شمار آمده است. «والذین هم للزکوة فاعلون» (۳۵) در اینجا اداء زکات و مداومت بر آن که جنبه اجتماعی و مالی دارد از صفات مؤمنان و رستگاران بیان شده است.

مطابق آیات قرآن، انسان برای رسیدن به نهایت کامیابی غیر از توجه ویژه به نماز و اعمال عبادی باید به مسائل اجتماعی که از مهمترین مصادیق آن مسأله زکات است توجه نماید چرا که نماز زحمت جسمی برای فرد بدنبال دارد. و زکات دادن گذشتن از مال دنیا برای رضای خداوند متعال است و اثر آن جلا دادن و صفا دادن به قلب و موجب نورانیت روح انسانی می باشد. مصداق دیگر برای این موضوع انفاق در راه خداست. در سوره روم آمده: «فآت ذا القربى حقه والمسکین و ابن السبیل دلک خیر للذین یریدون وجه الله و اولئک هم المفلحون» (۳۶) پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن این برای آنها که رضای خدا را می طلبند بهتر است و چنین کسانی رستگارند.»

ذی القربى به معنای صاحب قرابت از ارحام است و مقصود خویشاوندان می باشد و مسکین کسی را گویند که از فقیر بدحال تر باشد و ابن سبیل مسافری را گویند که در راه مانده و حاجتمند است. (۳۷) پس حقوق این گروهها را باید ادا کرد تا به فلاح و کامیابی دست یافت.

۷- جهاد:

در چندین آیه بعد از بیان جهاد در راه خدا یا با جان و یا با مال وعده رستگاری داده شده است. «... و جاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون» (۳۸) و جهاد کنید در راه خدا شاید که رستگار شوید.

در سوره توبه می فرماید: «لكن الرسول والذين آمنوا معه جاهدوا باموالهم و انفسهم و اولئک لهم الخیرات و اولئک هم المفلحون» (۳۹) ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند با اموال و جانهایشان جهاد کردند: و همه نیکی ها برای آنهاست: و آنها همان رستگارانند.»

همچنین پایداری در مقابله با دشمن و مراقبت از کار دشمن نیز از عواملی است که نتیجه آن رسیدن به سعادت می باشد. در سوره انفال می فرماید «یاایهاالذین ءامنوا ... فاتبتوا و... لعلکم تفلحون» (۴۰) ثابت قدم باشید و پایداری کنید باشد که رستگار شوید.» در موقعیتی که با کافران در حال جنگ هستید پایداری کنید و فرار نکنید تا در دنیا پیروز شوید و در آخرت هم سعادت مند. در سوره آل عمران می فرماید: «یاایهاالذین ءامنوا... و رابطوا... لعلکم تفلحون» (۴۱) مراقب کار دشمن باشید و هشیار باشید تا از دشمن آسیب نبینید. باز هم نتیجه این کار را فلاح و سعادت مندی می داند.

دشمن شناسی مسأله مهمی است که انسان در همه دوران باید مورد توجه قرار دهد و با توجه به شناختی که از دشمن پیدا کرده است به تدبیر امور بپردازد و راههای مقابله با او را کشف کند و نقاط ضعف و قوت او را بشناسد تا هرگز مغلوب دشمن نشود.

در سوره مجادله آیه ۲۲ می فرماید: «لاتجد قوما یؤمنون بالله والیوم الاخر یوادون من حادالله و رسوله و لو... اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون» هیچ قومی نخواهی یافت که ایمان به خدا و روز جزا داشته باشد و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند دوستی کند، هر چند دشمن خدا و رسول، پدران و یا فرزندان و یا برادرانشان و یا قوم و قبیله شان باشد: برای اینکه خداوند در دلهایشان ایمان را نوشته و... ایشان حزب خداوند آگاه باشید که حزب خداوند رستگارانند.» به نظر می رسد که این آیه دلالت بر اهمیت عقیده و باور می کند به گونه ای که وقتی انسان به خدا ایمان آورد دیگر دشمنان خدا را به دوستی بر نمی گزیند یعنی همان دشمنی با دشمنان خدا و رسول و همان تبری که جزو فروع دین ماست می باشد. چگونه ممکن است جمع شود بین دوستی با کسی و دوستی با دشمن او. (۴۲)

۸- وفای به عهد:

در سوره مؤمنون از جمله هفت صفتی که برای مؤمنان رستگار شمرده است وفای به عهد و پیمان است. «والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون، (۴۳) آنها که رعایت امانت و عهد می کنند». افراد یک جامعه اگر پایبند به عهد و

ایمان باشند و امانتداری از ویژگی های آنها محسوب شود خیلی از مشکلات مبتلا به حل می گردد، از جمله یکی از آن امانات همین مسئولیت هایی است که به افراد واگذار می شود. اگر همگان به این نکته توجه داشته باشند که مسئولیتی که به آنها سپرده شده است امانتی بیش نیست و عهدی است که بین خود و اداره یا شرکت و یا نظام خود منعقد کرده اند حساس تر و دقیق تر خواهند شد تا آن مسئولیت را هم در حضور جامعه و مردم و هم در محضر خداوند باری تعالی بهتر و مفیدتر به انجام برسانند و لغزش به خود نداده با ایمانی راسخ به ادای مسئولیت و تکلیف خویش در قبال جامعه و مردم پردازند. البته در تفاسیر منظور از امانات به فرزندان یا زنان (۴۴) یا امامت ائمه (علیهم السلام) (۴۵) و یا مطلق ولایت و حکومت تعبیر شده است.

۹- استفاده از «وسیله» برای تقرب به خدا:

خداوند در سوره مائده می فرماید: «یاایها الذین ءامنوا اتقواالله و ابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون» (۴۶) ای کسانی که ایمان آورده اید از مخالفت خدا بپرهیزید و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید: و در راه خدا جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. «حقیقت وسیله به درگاه خدا، مراعات راه خداست به اینکه اولاً به احکام او علم پیدا کنی و در ثانی به بندگی او پرداززی و ثالثاً در جستجوی مکارم و عمل به مستحبات شریعت باشی. (۴۷)

وسیله نوعی توسل است در مورد خداوند که منزله از مکان و جسم است. توسل معنوی و پیدا کردن رابطه ای است که بین بنده و پروردگارش اتصال برقرار کند و از آنجا که بین بنده و پروردگارش هیچ رابطه ای به جز عبودیت نیست قهراً وسیله عبارتست از این که انسان به حقیقت، عبودیت را دست یابد و به درگاه خدای تعالی وجهه مسکنت و فقر به خود گیرد. و همچنین گفته اند وسیله به معنای رساندن خود به چیزی با میل و رغبت است. و برخی گفته اند مقصود توسل به ائمه (علیهم السلام) که در نزد خدا صاحب آبرویند و دست به دامن شدن ائمه (علیهم السلام) برای تقرب به خداوند باری تعالی می باشد. (۴۸)

۱۰- امر به معروف و نهی از منکر:

خداوند در سوره آل عمران می فرماید: «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون» (۴۹) یعنی باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگار اند. از این آیه استفاده می شود که امر به معروف و نهی از منکر به طور مستقل به

سعادت انسان منتهی می شود. البته این کار شرایطی دارد که با وجود آن شرایط بر فرد واجب می شود که امر به معروف کند و نهی از منکر (۵۰) نماید. امت در اصل از ماده «ام» به معنی هر چیزی است که اشیاء دیگری به آن ضمیمه گردد و به همین جهت «امت» به جماعتی که جنبه وحدتی در میان آن ها باشد گفته می شود خواه وحدت از نظر زمان باشد یا مکان و یا هدف و مرام؛ چون به دنبال آیات پیش که به اخوت و اتحاد توجه دارد به مسئله امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده این در حقیقت به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت از جمعیت است؛ زیرا اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد عوامل مختلفی که دشمن بقای «وحدت اجتماعی» هستند، همچون موریانه از درون، ریشه های اجتماع را می خورند و آن را از هم متلاشی می سازند. بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست. (۵۱)

احادیث معتبر زیادی بر اهمیت این امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی دلالت دارد از جمله روایتی از امام باقر (ع) که فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و طریق صلحاء است. فریضه بزرگی است که قیام تمام فرائض به آن است، راهها به آن ایمن می شود و کسب ها به آن حلال می گردد و مظالم به سبب آن رد می شود و زمین به آن آباد می گردد و به آن انصاف از دشمنان ظهور می یابد و استقامت امور به آن حاصل آید. (۵۲) همچنین علی (علیه السلام) می فرماید: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور. این دو وظیفه بزرگ در حقیقت ضامن اجرای بقیه وظایف فردی و اجتماعی است و در حکم روح و جان آن ها می باشد و با تعطیل آن ها تمام احکام و اصول اخلاقی، ارزش خود را از دست خواهد داد. (۵۳)

۱۱- صبر و سفارش به آن:

در سوره آل عمران می خوانیم: «یاایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون» (۵۴) ای کسانی که ایمان آورده اید (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید؛ و در برابر دشمنان (نیز) پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.» چنانچه مشاهده می شود در این آیه فرموده که ای اهل ایمان در کار دین صبر کنید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس باشید شاید که رستگار شوید. همه دستورات در آیه مذکور به طور مطلق آمده و معنای عام را دربردارد. (۵۵)

۲۸۹۵

خداوند در سوره نور می فرماید: «... و توبوا

الی الله جميعاً ایه المومنون لعلکم تفلحون» (۵۶) به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان باشد که سعادت‌مند شوید.»
خداوند در این آیه بعد از تذکرات و دستوراتی که در مورد حفظ عفت و آبرو به مردان و زنان مؤمن می دهد می فرماید در هر جایی که مخالفت این احکام را نمودید توبه کنید و از مخالفت اوامر الهی به موافقت باز آیید که امید رستگاری برای شما هست.

و نیز در سوره قصص می فرماید: «فاما من تاب و ءامن و عمل صالحاً فعسی ان یکون من المفلحین» (۵۷) کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد امید است از رستگاران باشد. پس توبه و انابه از گناهان گذشته و قرار گرفتن در زیر چتر حمایت الهی و اطاعت از اوامر خداوند متعال گام مهمی در رسیدن به هدف متعالی انسانی یعنی سعادت دنیوی و اخروی می باشد؛ زیرا در آیات مختلفی از تواب بودن و توبه پذیر بودن خداوند سخن به میان آمده است.

کوتاه سخن آنکه از نظر قرآن عواملی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت پله های اصلی ارتقاء به جایگاه ظفرمندی و سعادت و قرارگرفتن در جوار رحمت الهی است که کمال پیروزی و رستگاری بشمار می رود.
به عبارت دیگر با تأمل و تدبر در آیات مطرح شده و در مطالب پیشین می توان گفت که اعتقاد قلبی به اصول دین و التزام عملی به فروع دین در نهایت، به رستگاری و فلاح انسان ختم می شود. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن)
پانوشتها در سرویس معارف موجود است